

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال ششم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۳

صفحات: ۱۵۸-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

دکتر جهانبخش مرادی* / اسلام ذوالقدرپور**

چکیده

یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر معادلات و روابط سیاسی میان کشورها را باید مسئله هویت و فرآیندهای منبعث از شکل‌گیری یا تغییر یک هویت خاص، دانست. هویت‌های منطقه‌ای و جهانی با هویت خاص یک کشور یا دولت در تعارض، تقابل یا تعامل، شکل گرفته و به راه خود ادامه می‌دهند. ترکیه طی دهه‌های اخیر و به‌خصوص یک دهه حاکمیت حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان، دچار نوعی تقابل، تعارض و حتی تغییر هویتی شده است که این هویت جدید، تأثیر فراوانی در رفتار و سیاست‌های دولت این کشور داشته است. بر این اساس دولتمردان ترک، دچار نوعی سرگردانی هویتی و سیاسی شده و هر چه بیشتر در هویت غرب‌گرایی محو شده‌اند. هویت غرب‌گرا و مرکز‌محور این حزب که دارای برخی ظواهر اسلامی است، در چند سال اخیر به تقابل و تنش با نظام جمهوری اسلامی ایران نیز کشیده شده است. این تنش‌ها را باید در چارچوبی جدید و با رهیافتی علمی و در سایه پیشنهاد تاریخی حکومت در ترکیه، مورد بررسی قرار داد. مقاله حاضر تلاش دارد به واکاوی این مهم بپردازد.

کلید واژه‌ها

هویت، سازه‌انگاری، ترکیه، اردوغان، آسیای جنوب غربی

jmoradi7877@yahoo.com

* عضو هیأت‌علمی و استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران

** دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

zoolghadr@gmail.com

مقدمه

ترکیه در طی یک دهه گذشته (از ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۳) از یک ثبات و اقتدار نسبی در زمینه دولت‌های تشکیل‌شده در آن، برخوردار بوده است. دولت منبعث از حزب عدالت و توسعه^۱ که از اواخر سال ۲۰۰۲ میلادی در ترکیه به حکومت رسیده‌اند را باید یکی از با ثبات‌ترین دولت‌های ترکیه طی حداقل پنج دهه گذشته دانست.

یکی از شاخص‌های مهم ترکیه از دهه ۱۹۴۰ به بعد را باید دولت یا کابینه‌های کوتاه مدت و اکثراً دو ساله دانست که در فضای دولت‌های ائتلافی تشکیل شده و با کوچک‌ترین حادثه‌ای، دولت نیز تغییر کرده و ائتلاف جدید با دولت جدید تشکیل شده و به حکومت می‌رسید. طی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۲ و زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، حدود چهار کابینه دولت در ترکیه تشکیل شده و نوزده نفر نیز به‌عنوان نخست‌وزیر در این دوره به تشکیل دولت پرداخته‌اند (جمهوری ترکیه، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۴).

جمهوری ترکیه طی این سال‌ها با دو مشکل عمده روبرو بوده است، دو مشکلی که شامل قدرت‌نمایی ارتش و کودتای آن‌ها بر علیه برخی دولت‌ها و از سوی دیگر مشکلات شدید اقتصادی بوده است. نظامیان ترکیه طی همین مدت حدود شش دهه‌ای، چهار کودتای مختلف را در ترکیه طراحی و اجرا نموده‌اند که آخرین آن‌ها در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ و با استعفای دولت نجم‌الدین اربکان^۲ به موفقیت رسید، کودتایی که به کودتای سفید یا نرم ارتش بر علیه اسلام‌گرایان نیز معروف شده است.

در بررسی مسائل ترکیه بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و سپس تشکیل جمهوری ترکیه، نباید از یک مسئله مهم و اساسی تأثیرگذار بر سیاست‌ها و راهبرد حکومتی این کشور، چشم‌پوشی نمود. مسئله مهم و کارگشا در بررسی سیاست‌های داخلی و به‌خصوص سیاست‌های خارجی ترکیه را باید فضای هویتی و مسئله هویت مردم و کارگزاران ترکیه طی حدود نود سال اخیر دانست. اینکه ترکیه در درون خود دارای چندین هویت متفاوت و بلکه متضاد می‌باشد که همین تفاوت و تضاد هویتی، بر بسیاری رویدادها و سیاست‌های این کشور تأثیرگذار بوده است. ترکیه کشوری که حدود ۹۸ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و از لحاظ

1- Adalet ve Kalkınma Partisi (AKP)

2- Necmettin Erbakan

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

جغرافیایی نیز حدود ۹۷ درصد خاک این کشور که همان آناتولی^۱ باشد، در قاره آسیا و قلب جهان اسلام قرار گرفته است، از لحاظ تاریخی نیز نزدیک به شش قرن تحت نام امپراتوری عثمانی^۲ بر مناطق گسترده‌ای از جهان در شرق و غرب، تسلط داشته است، اکنون و طی یک دهه اخیر دچار نوعی پارادوکس هویتی به‌ویژه در روابط بین‌المللی و راهبرد سیاست خارجی خود بوده است.

آیا هویت اسلامی بر سیاست خارجی ترکیه حاکم است؟ آیا هویت غربی اروپایی بر سیاست خارجی ترکیه تسلط یافته است؟ هویت کمالیستی دارای کدام مؤلفه‌ها می‌باشد؟ هویت اصلی و راهبردی حزب عدالت و توسعه و سران آن چیست؟ بسیاری از پاسخ به این سوالات به هویت اسلامی و اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه، منجر شده است که به نظر می‌آید این پاسخ‌ها از نوعی خوش‌بینی مفرط و یا فریب خوردن محققین از سیاست‌های حزب عدالت و توسعه ناشی شده‌اند.

گفتار اول: کلیات تحقیق

الف) ضرورت و اهمیت موضوع

با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه و روی کار آمدن سران این حزب یعنی رجب طیب اردوغان^۳ و عبدالله گل و... فضای احساسی و غیر کارشناسی شده‌ای بر سیاست خارجی ایران در منطقه و به‌خصوص در رابطه با ترکیه، غالب شده و اکثر مسؤولین سیاسی، اجتماعی و حتی مذهبی ایران به ابراز احساسات پرداخته و پیروزی اردوغان و حزبش در ترکیه را پیروزی اسلام در ترکیه و بلکه فراتر از آن همسویی دولت ترکیه با ایران قلمداد نموده و سیل تبریکات ایرانیان به ترکیه سرازیر گردید.

در انتخابات سال ۲۰۰۷ ترکیه که حزب عدالت و توسعه به پیروزی مجدد دست یافت، همان فضای خوش‌خیالی بر سیاست‌گزاران ایرانی حاکم بود. در سال‌های بعد و تا آغاز بیداری اسلامی یا بهار عربی- اسلامی، سیاست‌گزاران ایرانی همچنان در فضای احساسی رابطه با ترکیه قرار داشته و ترکیه و سران دولت عدالت و توسعه را همسو با اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران

1- Anatolia

2- Ottoman Empire

3- Recep Tayyip Erdoğan

در منطقه می‌دانستند.

سیاست‌های متناقض دولت ترکیه از سال ۲۰۱۰ به بعد که در تقابل و تعارض با سیاست‌ها و منافع ایران در سطح منطقه و جهان قرار گرفته است، زنگ بیدارباشی برای مسؤولین ایرانی و کارگزاران سیاست خارجی کشور بوده است تا از بند خوش‌خیالی و برداشت‌های حب و بغضی در سیاست‌های راهبردی کشور در بعد خارجی و بین‌المللی، دست برداشته و فریب برنامه‌ها و تاکتیک‌های ظاهری ترکیه و دولت‌های ظاهراً همسو با ایران را نخورده و از تکرار فرآیند اردوغانیسم^۱ نیز جلوگیری نمایند. سیاست و یا برداشت نامناسب ایران در بزرگنمایی پیروزی حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان در ترکیه و واگذاری فضای بازی ایران به ترکیه و اردوغان برای کسب پرستیژ مورد نیاز خود، موجب گردیده است تا برخی منافع ایران در منطقه مورد تهدید قرار گرفته و تنش در روابط ایران و همسایگانش نیز افزایش یابد. بنابراین بررسی هویت کارگزاران ترکیه و البته ساختار دولت‌های این کشور نیز از اهمیت فراوانی در سیاست‌گذاری‌های آینده ایران برخوردار می‌باشد، تا فریب هر ظاهرسازی اسلامی و انقلابی گروه‌ها، احزاب، جنبش‌ها یا اشخاص مدعی اسلام‌گرایی و انقلابی بودن را نخوریم.

ب) چارچوب نظری: سازه‌نگاری و هویت

چرا حزب عدالت و توسعه و به‌ویژه آقای اردوغان، دچار تغییر هویتی و چرخش هویتی به سوی هویت غرب‌گرایی شده‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال و روشن شدن واقعیت هویت و ماهیت افرادی مانند اردوغان، سعی می‌شود تا با استفاده از نظریه سازه‌نگاری^۲ به‌ویژه رویکرد کل‌گرایانه (کلان‌نگر) الکساندر ونت، به بررسی هویت غرب‌گرای ترکیه، ابعاد عملکرد و تأثیرگذاری این هویت غرب‌گرا بر سیاست خارجی ترکیه و به‌خصوص روابط ایران و ترکیه، پرداخته شود.

سیاست و هویت در رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. سیاست در ابعاد مختلف آن، چه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و... چه در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تأثیرگذار بر هویت و تأثیرپذیر از آن بوده است. هویت را می‌توان یک قالب یا پوشش برای یک گروه، یک کشور یا منطقه دانست که نشان‌دهنده مشخصات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... آن واحد سرزمینی مشخص می‌باشند، این قالب با پرسش و پاسخی همراه است که

1- Erdoganisme

2- Constructivism

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

پاسخ را می‌توان همان هویت دانست. پرسش‌هایی مانند: ما چه کسانی هستیم؟ هدف ما از همزیستی با یکدیگر چیست؟ از همه مهم‌تر اینکه می‌خواهیم چه کسانی یا جامعه‌ای باشیم؟ پاسخ به سوالات فوق‌الذکر را می‌توان اولین نمایه‌های هویت فردی و اجتماعی دانست. اینکه ما دارای هویت ایرانی-اسلامی، ترکی-اسلامی یا ترکی-اروپایی باشیم. برای دستیابی به این هویت، دست به چه اقداماتی خواهیم زد؟

اگر دولت را به‌عنوان نهاد حاکمیتی در نظر بگیریم که برای برآورده ساختن آرزوها و نیازهای اجتماع تحت حاکمیت آن به وجود آمده است، این نهاد حاکمیتی را بدون احتساب هویت و برساخته‌های ذهنی کارگزاران آن که برخاسته از واقعیت‌های موجود در زندگی و ذهن آحاد آن اجتماع انسانی می‌باشد را نمی‌توان بررسی و تحلیل نمود.

در عصر جهانی شدن و جهانی سازی، رابطه هویت و سیاست بیشتر در حوزه منطقه‌ای و جهانی آن در کنش و کنشگری قرار گرفته است. تأثیرپذیری این دو مؤلفه مهم (سیاست و هویت) از یکدیگر، تحت یک فرآیند مهم یعنی تعامل و همکاری صورت می‌گیرد. بر اساس همین تعاملات است که در سطح جهانی و منطقه‌ای، هویت یک کشور یا کارگزاران آن از هویت منطقه و یا جهان مرتبط با آن تأثیرپذیر شده و قالب هویتی جهان پیرامونی خود را در سایه برخی مزیت‌ها یا پاداش‌ها، برای خود به‌عنوان یک راهبرد هویتی جدید در راستای ظهور و تقویت خود، به ایجاد برخی محاسن و مزیت‌ها یا همان منافع برای فرد یا جامعه دست می‌زند، جامعه نیز در قبال این مزیت‌ها یا منافع است که به تغییر، کسب یا تقویت هویت خود اقدام می‌نماید.

این کنش‌ها که کارگزاران سیاسی را نیز تحت تأثیر خود دارد، بر سیاست خارجی و بین‌المللی یک کشور، تأثیرگذار می‌باشند. اینکه یک کشور یا کارگزاران آن، از کجا و از چه طریقی به قدرت رسیده‌اند و منافع آنان در آینده در کجا خواهد بود و با کدام سیاست همخوانی دارد. هویت و منافع دو بخش جدایی‌ناپذیر سیاست در نظریه سازه‌نگاری هستند.

سازه‌نگاری طی حدود چهار دهه اخیر به‌عنوان یکی از نظریات بررسی روابط بین‌الملل، مطرح شده و جایگاهی مناسب به‌دست آورده است. نظریه سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل، ریشه در مسئله جامعه‌شناسی شناخت دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتز برگر^۱ و توماس لاکمن^۲ در

1- Peter Ludwig Berger

2- Thomas Luckmann

کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت»^۱ (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت) مطرح گردیده است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

اصطلاح سازه‌انگاری در مطالعات سیاسی و بین‌المللی برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ توسط نیکلاس اونوف^۲ به کار گرفته شده و نظریه پردازان مختلفی مانند جان راگی^۳، دیوید دسلر^۴، دریش کراتوچویل^۵، پتر کاتزنشتاین^۶ و ... در این زمینه کار کرده‌اند. با این وجود نظریه سازه‌انگاری بیشتر با آثار و نظرات الکساندر ونت آلمانی، شناخته می‌شود. بیشتر این سازه‌انگاران، روابط بین‌الملل را از منظر اهداف، تهدیدها، فرهنگ‌ها، هویت‌ها و سایر واقعیت‌های اجتماعی در سطح روابط بین‌الملل می‌شناسند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۵). سازه‌انگاری به‌عنوان یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل، محصول زبان شناختی ساختاری، نظریه سیاسی پست مدرن، نظریه انتقادی، نقد ادبی و مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای است. در حقیقت یکی از وعده‌های این نظریه (سازه‌انگاری) بازگرداندن فرهنگ و سیاست‌های داخلی به عرصه نظریه روابط بین‌الملل است (قوام، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

در تعاریف دیگر از سازه‌انگاری نیز این توجه به کنش‌های ذهنی یا بین‌الذهانی در میان مردم یک کشور، منطقه یا جهان به صورت مکرر مورد توجه قرار می‌گیرد. سازه‌انگاری، نظریه‌ای است که با نگاهی اجتماعی به مسائل سیاست بین‌الملل، تمامی دانش‌ها و پدیده‌های انسانی را نتیجه برسازی (برساخته شدن) می‌داند و این برساختگی را به روشی اجتماعی و در فرآیند کنش متقابل بین‌ذهنی می‌داند. بر این اساس، دانش و آنچه به‌عنوان پدیده‌های انسانی و اجتماعی وجود دارند، لزوماً انعکاسی از واقعیت نیستند، بلکه مشروط و وابسته به ذهنیت‌های انسان‌ها، تجربه اجتماعی و رسوم و پیمان‌های اجتماعی آن مجموعه می‌باشند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴).

الکساندر ونت که یکی از نظریه پردازان اصلی و تأثیرگذار مکتب سازه‌انگاری است، متولد شهر ماینز آلمان در سال ۱۹۵۸ می‌باشد. وی به‌عنوان یکی از اساتید مشهور در روابط بین‌الملل و به‌خصوص نظریه سازه‌انگاری به طرح مسائل مهم در زمینه روابط بین‌الملل می‌پردازد. یکی از مهمترین آثار ایشان را باید کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»^۷ دانست که در

- 1- The Social Construction of Reality
- 2- Nicholas Onuf
- 3- John Ruggie
- 4- David Dessler
- 5- Friedrich Kratochwil
- 6- Peter J. Katzenstein
- 7- Social Theory of International Politics

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

ایران نیز ترجمه و چاپ شده است. ونت در بررسی روابط بین‌الملل به مواردی مانند اجتماع اذهان یا روابط بین‌الذهانی اشاره دارد و روابط را با زمینه فردگرایی بررسی نمی‌کند بلکه روابط بین‌الملل را در چارچوب روابط اجتماعی و جمعی (ذهن جمعی) مورد کنکاش قرار می‌دهد. الکساندر ونت معتقد است، جهان مستقل از ذهن و زبان ناظران منفرد (فرد) وجود دارد، نظریه‌های علمی نوعاً به این جهان اشاره دارند، حتی اگر این جهان قابل مشاهده نباشد. از دیدگاه ونت، سازه‌نگاری نظریه‌ای است که هم تحول هویت و منافع از طریق تحول ساختار را مد نظر قرار می‌دهد و هم ساختار را جدی می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۲-۳۵۰).

الکساندر ونت، تعامل را پیش‌زمینه شکل‌گیری همکاری یا تعارض و تقابل میان دولت‌ها می‌داند و رویدادهای سیاست بین‌الملل و حتی مباحث هویت و منافع را نیز بر پایه تعامل، قابل تعریف و وقوع می‌داند. چنانچه ونت معتقد است که، آنارشی^۱ و خودیاری^۲ یا احساس تهدید و... قبل از تعامل دولت‌ها معنا نداشته و تنها بعد از تعامل است که می‌توان از همکاری یا تعارض صحبت کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۴۹).

الکساندر ونت در اثر معروف خود، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، به تعریف هویت پرداخته و می‌گوید: هویت عبارت است از آنچه که، چیزی را به آنچه که هست، تبدیل می‌کند. ونت بر ذهنی بودن هویت نیز تأکید دارد، هویت خصوصیتی در کنشگران نیت‌مند است که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است. به این معنی که هویت در اساس یک ویژگی ذهنی است که ریشه در فهم کنشگر از خود دارد. این هویت در وضعیت جمعی آن را می‌توان همان اسلوب بین‌الذهانی دانست که در ذهن یک اجتماع، یک کشور یا یک سیستم بین‌المللی نقش بسته، بر اساس گفتمان میان آنان ایجاد شده و بر پایه دو انگاره «خود»^۳ و «دیگری»^۴، برسازی می‌گردد (رمضان‌زاده و جوکار، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۳۸).

آنچه در تعریف هویت مورد توجه ونت می‌باشد، هویت اجتماعی دولت‌ها می‌باشد که به شکلی درون‌زا نسبت به نظام، یعنی بر اثر تعامل با سایر دولت‌ها در نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد. در نظر ونت، آنچه هویت جمعی نامیده می‌شود را نیز می‌توان همان هویت اجتماعی دانست (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۷). از دیدگاه ونت، منافع و هویت‌های اجتماعی همیشه از طریق تعامل

1- Anarchy
2- Self-help
3- Self
4- Other

در فرآیند هستند، با وجودی که ممکن است در برخی از شرایط بتوان با توجه به ثبات نسبی هویت‌ها، آنها را مسلم (ثابت) فرض کرد، اما همیشه اینچنین نیست (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۰). بنابراین ونت، هویت را امری بین‌الذهانی می‌داند که تابع برقراری تعامل، همکاری یا تقابل و دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اندیشه و ذهن افراد مانند اقتصاد، تاریخ، جغرافیا و... می‌باشند.

گفتار دوم: ترکیه و سیاست هویتی

الف) هویت شرقی - اسلامی ترکیه

جمهوری ترکیه را نمی‌توان از کشورهای دارای یک هویت مشخص و یکپارچه تاریخی محسوب نمود. بخشی از جمهوری ترکیه کنونی در دوره باستانی و قبل از میلاد مسیح در اختیار حکومت روم بوده و بعد از تقسیم روم به دو بخش شرقی و غربی، ترکیه جزئی از امپراتوری روم شرقی بوده است.

البته نباید فراموش کرد که آناتولی و ساکنان آن در بسیاری از دوره‌های تاریخی، سرزمین و ساکنان ایرانی محسوب شده‌اند و در امپراتوری‌های بزرگ پارسی، ترکیه معمولاً بخشی از سرزمین ایران بوده است. ساسانیان، هخامنشیان، اشکانیان، صفویان، تیموریان، افشاریان و حتی سلجوقیان را باید دولت‌هایی با ماهیت ایرانی دانست که تمامی یا بخش‌هایی از سرزمین آناتولی را تحت حکومت و پادشاهی خود داشته‌اند و در واقع آناتولی دارای یک سابقه و ماهیت تاریخی ایرانی شناسنامه‌دار می‌باشد. از سوی دیگر سرزمین آناتولی یا همان ترکیه کنونی بعد از ظهور اسلام و گسترش آن در مناطق اطراف شبه جزیره عربستان، از یک هویت عمیق و بنیادی مذهبی برخوردار گردید. این هویت جدید و عمیق دینی و مذهبی را باید همان دین اسلام و گرایش مردم این سرزمین به اسلام دانست. دین اسلام که به تدریج در آناتولی نفوذ یافته بود، در دوران خلافت معتصم بالله (ابواسحاق محمد) هشتمین خلیفه عباسی، چنان پیشرفت نموده بود که سرداران و نظامیان ترک‌تبار در دربار خلیفه به جایگاه مهمی دست یافته و سرداران ایرانی و عربی از جایگاه برتر خود دور شدند به نحوی که سرداران ترک مانند توزون، ابن شیرزاد و... در واقع بر خلیفه وقت برتری یافته و خلیفه را بازپچه دست خود قرار داده بودند (حسن، ۱۳۸۵: ۵۱۴-۵۰۷).

ب) اسلام‌گرایی عثمانی

از قرن یازدهم میلادی یکی از قبایل بزرگ چادرنشین ترک که در محدوده ایران قدیم و کنار دریاهای آرال و آمودریا زندگی می‌کردند یعنی سلجوقیان (۱۰۳۷-۱۳۰۰ میلادی) که مدت‌ها بود به دین اسلام گرویده بودند با استفاده از ضعف و ناتوانی خلافت عباسی، به تحکیم قدرت خود در منطقه پرداخته و بعد از تسلط بر مرکز خلافت یعنی بغداد، بر ایران، عراق و سوریه نیز مسلط شدند و بعد از مدتی به سوی آناتولی حرکت کرده و در این سرزمین مستقر شده و فصل نوینی از حکومت را در آناتولی پایه‌ریزی کردند. از همین دوره بود که هویت اسلامی در ترکیه شکل می‌گیرد.

بعد از سرنگونی امپراتوری سلجوقی توسط مغولان، یکی از کوچکترین ممالک بر جای مانده از این حکومت، ترکان عثمانی بودند که به مرور زمان بر قلمرو خود افزوده و اولین حاکم آن عثمان بیک و سی و شش پادشاه آن، از سال ۱۲۹۹ تا ۱۹۲۲ و با نام امپراتوری و حتی خلافت عثمانی بر قلمرو وسیعی در جهان حاکم بودند (جمهوری ترکیه، ۱۳۸۶: ۳۲).

حکومت عثمانی با بیش از ششصد سال قدمت خود (۱۲۹۹-۱۹۲۲ میلادی)، برای هر کشوری می‌توانست یک سابقه و هویت غنی و قابل اتکا بشمار آید، امری که برای ترکیه نوین آتاتورکی، محقق نشد. در بعد اسلام‌گرایی و گسترش اسلام سیاسی در جهان، عثمانی‌ها به شدت در پی گسترش اسلام در غرب و در یک کلام تفوق و پیروزی بر مرکز مسیحیت آن روزگار یعنی ایتالیا و مرکز پاپ بودند. عثمانی‌ها که برای افزایش مشروعیت و پرستیژ خود به دنبال احیای خلافت بودند، سرانجام در زمانی که سلطان سلیم بر مصر پیروز گردید، مبادرت به احیای خلافت نموده و سلطان سلیم، خود را خلیفه‌ی جانشین پیامبر اسلام و رهبر جهان اسلام معرفی نموده و با این کار خود، مسؤولیت استقرار حاکمیت شریعت اسلام را همراه با لقب خلیفه، بر عهده گرفت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۴۸).

براساس آموزه‌های اسلامی و به‌خصوص اسلام سیاسی، در حکومت عثمانی نیز دولت و مذهب دارای اشتراکات و همخوانی‌های بسیاری بودند. سیاست و مذهب به شدت به یکدیگر وابسته بوده و در امور مربوط به یکدیگر دخالت داشتند، اسلام و مذهب اهل سنت در این دوره یکی از اهرم‌های کسب پرستیژ و مشروعیت سیاسی و هویتی برای عثمانی‌ها بودند. سلاطین عثمانی چنان در استفاده ظاهری از ارزش‌های دینی و مذهبی اسلام غرق شده بودند که نسبت به هویت و ملیت خود و حامیان اصلی حکومت یعنی ترک‌های آناتولی، کم توجه شدند. تأکید زیاد و

ظاهری عثمانی بر هویت اسلامی، موجب شده بود تا نوعی بی‌هویتی در امپراتوری عثمانی و به‌خصوص مرکز این امپراتوری یعنی آناتولی یا ترکیه کنونی حاکم شده و بحران هویت در این دوره بارز گردد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۵۴). اسلام‌گرایی عثمانی را می‌توان نوعی جستجوی هویتی و تاریخی ملتی دانست که گذشته چندان پربراری نداشته و می‌خواهند از طریق دین و مذهب و سوءاستفاده از مذهب به تاریخ‌سازی و هویت‌یابی، دست بزنند. همین هویت و تاریخ ساختگی ترک‌های آناتولی بود که نتوانست در مقابل تمدن و هویت غربی دوام بیاورد و سرانجام هویت شمشیر پایه ترکی در برابر هویت تمدنی غرب، سر تعظیم فرود آورده و تسلیم غرب شدند.

ج) هویت کمالیستی، سکولاریسم و لائیسیزم اسلامی

همزمان با کاهش قدرت و ابهت امپراتوری عثمانی در منطقه و نمایان شدن نشانه‌های زوال و فروپاشی این حکومت، در داخل ترکیه نیز گروه‌هایی به فکر تغییر حکومت و حفظ یک کشور قدرتمند و مستقل ترک در جهان بودند. یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین گروه‌های مخالف خلافت عثمانی در آغاز قرن نوزدهم را می‌توان جنبش ترکان جوان دانست.

جنبش ترکان جوان ترکیه که یک حرکت قوم‌گرایانه ترکی و لائیک بود، بر پایه آگاهی طبقه متوسط به‌خصوص در بُعد فرهنگی تشکیل شده بود و دارای اندیشه‌های لیبرالی متأثر از غرب بودند. این جنبش که توانسته بود مناصب حکومتی و اداری را در حکومت عثمانی نیز تصاحب نماید با فروپاشی عثمانی، خود به قدرت مطلق در ترکیه نوین تبدیل گردید (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۵۹).

با فروپاشی خلافت در سال ۱۹۲۲ و تشکیل جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) که نقش مهمی در جنگ‌های ضد استعماری چند سال گذشته ترکیه داشته و به‌عنوان یکی از ترکان جوان انقلابی نیز نقش مهمی در فرماندهی جنبش و سپس فروپاشی خلافت عثمانی ایفا نموده بود، به‌عنوان رهبر (رئیس جمهور) ترکیه نوین انتخاب گردید.

در مورد حکومت کمال آتاتورک و نقش آن در هویت کنونی ترکیه، نظرات بسیاری وجود دارد که اغلب این نظریات بر تبیین هویت غرب‌گرا توسط آتاتورک، دلالت دارند. هویت نوینی که توسط کمال آتاتورک هدایت می‌شد و تحت عنوان اندیشه‌های کمالیستی^۱ بر مردم ترکیه حاکم

1- Kemalisti

شده بود.

هاکان یاوز^۱ نویسنده برجسته ترکیه‌ای در مورد این هویت ترکیه نوین یا همان اندیشه کمالیستی می‌گوید: دولت کمالیست در واقع دولتی رسالت‌گرا^۲ است که هدف خلق ملت ترک و نیل آن به سطح تمدن اروپایی را دنبال می‌کند (یاوز، ۱۳۸۹: ۵۵).

رهبری و ریاست جمهوری کمال آتاتورک با لقب خود به معنای پدر ترک‌ها، طی سال‌های ۱۹۲۳ الی ۱۹۳۸ بر ترکیه موجب گردید تا سیاست‌ها و اندیشه‌های آتاتورک تحت نام سیاست‌های کمالیستی بتوانند در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه مطرح شده، جان گرفته و تثبیت گردند. سیاست‌های کمالیستی، اندیشه‌هایی نوینی بودند که سعی داشتند تا جمهوری ترکیه را از فضای ذهنی و سیاسی گذشته و خلافت عثمانی جدا کرده و به دنیا و فضای نوینی تحت تسلط افکار و اندیشه‌های غربی و اروپایی، وارد سازند.

اقدامات آتاتورک در چارچوب تغییر هویت ترکیه را می‌توان: مخالفت با مداخله مذهب در سیاست (برقراری جدایی دین از سیاست)، حذف دادگاه‌های اسلامی، از بین بردن مدارس مذهبی، ممنوعیت حجاب اسلامی بانوان، حذف رسم‌الخط عربی و ترکی و جایگزینی البقاع لاتین، تغییر تقویم اسلامی به میلادی و ترویج فرهنگ اروپایی و غربی در ترکیه و... دانست (جمهوری ترکیه، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

جمهوری ترکیه تحت رهبری آتاتورک، به دنبال دستیابی به جایگاه برتر در منطقه و جهان از طریق نزدیکی بیشتر با غرب و اروپا در چارچوب تغییر هویت و فرهنگ اسلامی به هویت و فرهنگ غربی بود. آتاتورک منافع ترکیه را در رهایی از هویت اسلامی و عثمانی جستجو کرده و به دنبال آن بود که با تغییر هویت ترکیه و همسان نمودن هویت آن با اروپا، بتواند منافع ترکیه را در بلندمدت در سطح منطقه حفظ و تثبیت نماید. تفکر و اندیشه آتاتورک دارای اصول زیربنایی است که در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل این اصول کمالیستی بر محورهای زیر مبتنی بوده است:

یکم: سوابق سوء امپراتوری عثمانی نسبت به منطقه را پاک کرده، جبران نموده و شکاف ایجاد شده بین کشورهای ترکیه نوین، ایران و اعراب را پر نمایند.

دوم: ترکیه کشوری است نه توسعه‌طلب و نه استعمارگر، بلکه به دنبال اقتدار داخلی در ابعاد

1- M Hakan Yavuz

2- Missionist

اقتصادی، صنعتی، علمی و نظامی است. ترکیه به دنبال دستیابی به قدرت اقتصادی و تکنولوژیک قدرتهای غربی است.

سوم: ترکها علاوه بر درخواست برابری تکنولوژیک با غرب، خواهان پذیرش ترکیه به عنوان یک ملت اروپایی و قبول آنها در تمدن غربی هستند (جمهوری ترکیه، ۱۳۸۶: ۲۱۰-۲۰۹).

اصول فوق الذکر که از ابتدای حاکمیت ترکهای جوان و به خصوص با رهبری و ریاست جمهوری کمال آتاتورک در ترکیه، مدون شده و به اجرا درآمدند، طی بیش از نود سال اخیر همچنان از اصول اصلی مورد توافق و اجرای مسئولان و کارگزاران سیاسی حکومت ترکیه بوده اند. این اصول در سیاست و حکومت ترکیه از جایگاه بالایی برخوردار بوده و تحت نام اصول کمالیسم در سرلوحه کاری هر دولت یا کارگزار ترکیه قرار داشته و ارتش این کشور به عنوان پاسدار اصول لائیسیته و اصول کمالیسم، بر کار دولت‌ها نظارتی نانوشته داشته است.

اندیشه‌های کمالیستی بر شش اصل استوار هستند، اصولی چون: ناسیونالیسم^۱، سکولاریسم^۲، توده‌گرایی (پوپولیسم)^۳، دولت‌سالاری^۴، انقلاب خواهی^۵ و جمهوری خواهی^۶ که معتقدان به این اصول را همان کمالیست‌های ترکیه می‌دانند که به شدت به تقدس اصول مذکور معتقد بوده و در چارچوب همین اصول به هدایت مردم می‌پردازند (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

همانگونه که در بالا ذکر شد، اصول کمالیستی دارای جمعی متضاد نیز هستند. تلاش برای ایجاد جامعه اروپایی سکولار و در عین حال گسترش ناسیونالیسم ترکی در کشور!

آتاتورک ضمن بر عهده گرفتن جنگ استقلال در مقابل اروپا و از طریق گسستن ترکیه از ریشه‌های اسلامی و عثمانی خود، پروژه‌ای بزرگ را در حوزه دگرذیسی تمدنی ترکیه به اجرا درآورد. وی تلاش داشت تحت لوای غربی‌سازی و ترقی، دیواری رفیع به مانند یک سد در برابر نفوذ عربی-اسلامی به ترکیه، ایجاد نماید (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

یکی از شاخصه‌های سیاسی، فرهنگی و هویتی ترکیه نوین از زمان رهبری آتاتورک تاکنون را می‌توان سکولاریسم و لائیسیزم دانست.

- 1- Nasionalism
- 2- Secularism
- 3- Populism
- 4- Governmentism
- 5- Revolutionism
- 6- Republicanism

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

سکولاریسم: این واژه در فرهنگ لغات علوم سیاسی و علوم اجتماعی به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته و دارای تعاریف بی شماری است.

مهرزاد بروجردی استاد ایرانی دانشگاه سیراکیوز^۱ امریکا می نویسد: ریشه واژه سکولاریسم، سکولوم^۲ لاتینی به معنای دهر، گیتی و زمانه است. بر این اساس سکولار بودن به معنی در روزگار کنونی زیستن و فرزند زمان بودن است. مهرزاد بروجردی معتقد است که، سکولاریسم در چهره غربی خود، در بر دارنده باوری است که دین و حکومت را پدیده‌هایی متفاوت و تفکیک پذیر می داند. گونه‌ای فلسفه زندگی نیز می باشد که هدفش رفاه انسان‌ها در زندگی همین دنیا، فارغ از دین، فرقه، طبقه اجتماعی، رنگ پوست و سایر ویژگی‌های فردی است (بروجردی، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۵).

لائسیسم: اصطلاحی است که از دهه ۷۰ قرن نوزدهم در فرانسه ابداع و رایج شده است. بر این اساس لائسیسم را دریافتی سیاسی می دانند که در این دریافت سیاسی، از یک سو دولت و حوزه عمومی از هیچ دین یا مذهبی پیروی نمی کنند و از سوی دیگر دین یا مذهب نیز ضمن برخورداری از همه آزادی‌ها در جامعه مدنی، هیچ قدرت سیاسی اعمال نمی کند، اصلی ترین پیش شرط‌های برقراری لائسیسم در یک کشور را باید جدایی دولت و جامعه مدنی از یکدیگر دانست. کوتاه ترین و بهترین تعریف از لائسیسم را می توان جدایی دین از دولت و نه از سیاست، دانست (وثیق، ۱۳۸۷: ۱۰-۹).

با توجه به تعاریف بالا باید متوجه شویم که سکولاریسم و لائسیسم دو جریان یا دو فرآیند متفاوت هستند. در ترکیه نیز بر اساس قانون اساسی مصوب سال ۱۹۲۸، اصل دین رسمی اسلام از قانون اساسی حذف گردید. در قانون اساسی اصلاحی در فوریه ۱۹۳۷، جدایی کامل مذهب از دولت در ترکیه در قانون اساسی ثبت گردید.

در آخرین بازنگری قانون اساسی ترکیه در سال ۱۹۸۲ نیز در قانون جدید تأکید شده است که هیچ مذهب رسمی به عنوان مذهب رسمی از سوی دولت ترکیه به رسمیت شناخته نمی شود. لائسیسم اجرایی در ترکیه که نوع خاصی از لائسیسم است و از لائسیسم فرانسه اقتباس کرده‌اند و در ترکیه «لائیکلیک»^۳ نامیده می شود را می توان لائسیسم کمالیستی نامید

1- Syracuse University

2- Seculum

3- Laiklik

(اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۳۵-۲۷).

با توجه به گذشت حدود نود سال از مطرح شدن لائیسیتیه در ترکیه و گسترش پر دامنه آن توسط روشنفکران ترکی و حتی دولتمردان این کشور و به خصوص آتاتورک و کمالیست‌های بعد از وی، لائیسیتیه ترکی که به دلایلی مانند اضافه نمودن اصول خاصی چون کنترل دولت بر مذهب و پذیرش دین اسلام و مذهب سنی حنفی، از لائیسیتیه فرانسوی فاصله متمایزی داشته و هرگز نمی‌توان آنرا با اصل لائیسیتیه غربی مقایسه نمود. اعلام مذهب رسمی سنی حنفی و تأکید بر کنترل دین توسط دولت را می‌توان همان اصول کمالیستی خاص لائیسیزم ترکی، دانست.

بنابراین سکولاریسم را می‌توان فلسفه سیاسی ترکیه دانست. فلسفه سیاسی‌ای که از سوی آتاتورک و کمالیست‌های بعد از وی دنبال شده و به شدت به دنبال اروپایی کردن ترکیه و ذوب در هویت اروپایی هستند.

سیاست خارجی کمالیستی که برگرفته از اصل سکولاریسم نیز بوده است را می‌توان در سه اصل اساسی خلاصه کرد:

الف) صلح در خانه- صلح در خارج از خانه، همزیستی مسالمت‌آمیز و دوستی با کشورهای همجوار؛
ب) امتناع و خودداری از شرکت در هرگونه کنفرانس یا پیمانی که بر اساس مذهب مشترک قرار گرفته باشد؛

ج) تبدیل ترکیه به کشور مدرن اروپایی (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۰).

همانگونه که سازه‌انگاران و به‌خصوص الکساندر ونت نیز معنقدند، انگاره‌های ذهنی کارگزاران دارای نقش بسیار مهمی در تعاملات، منافع و هویت یک کشور می‌باشند، انگاره‌های ذهنی آتاتورک برای تبدیل ترکیه نوین به یک کشور اروپایی و جذب ترکیه در هویت و سیاست اروپا را می‌توان یکی از مهم‌ترین انگاره‌های ذهنی کمالیست‌ها دانست که عملاً در صحنه سیاست خارجی این کشور نیز نمود یافته‌اند.

هویت ترکیه جدید نیز به تبعیت از تعاملات و منافع جدید، رو به سوی اروپا داشته و کمالیست‌ها سعی در سوق دادن هویت ترکیه به هویت اروپایی داشتند، در عین حال رابطه دوستانه و خوبی نیز با ایران برقرار نموده بودند.

اینگونه بود که اسلام‌گرایی سکولار به‌عنوان یک فلسفه آشفته و خود ساخته آتاتورک و کمالیست‌ها در ترکیه به اجرا درآمده و هویتی نامشخص که البته بیشتر بر ملی‌گرایی ترکی تأکید داشت را در ترکیه حاکم ساخت. این هویت ترکی مبهم و البته اصول کمالیستی تا سال‌های سال در

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

ترکیه بدون رقیب به اجرا درآمدند تا اینکه برخی اسلام‌گرایان ترکیه به دنبال تغییر در فلسفه حکومتی و بازگشت به اسلام واقعی، مبارزه خود را بر علیه کمالیست‌ها آغاز کردند.

گفتار سوم: اسلام‌گرایی در ترکیه؛ تقابل اربکان و اردوغان

الف) اربکان و هویت

یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین اسلام‌گرایان واقعی و راستین ترکیه طی یکصد سال اخیر و به‌ویژه طی چهل سال گذشته را باید نجم‌الدین اربکان دانست.

اربکان به‌عنوان یک مسلمان معتقد و مجری احکام اسلامی، توانست طی یک فرآیند تدریجی چند دهه‌ای و با ترویج و آموزش احکام اسلام و تربیت شاگردان اسلام‌گرای فراوان در ترکیه، یک نهضت اسلام‌گرایی و بازگشت به قوانین اسلامی را پایه‌ریزی و سپس به پیروزی برساند.

نجم‌الدین اربکان را می‌توان در ردیف بزرگانی دانست که معتقد به حضور اسلام سیاسی در حوزه عمومی کشور و به‌خصوص تأثیرگذاری اسلام بر هویت، سیاست‌های داخلی و خارجی کشور و به‌ویژه تأثیر بر منافع ملی و فراملی ترکیه بودند. ایشان که طی سال‌ها به ترویج و معرفی اسلام سیاسی در ترکیه پرداخته بودند، در دهه ۱۹۹۰ توانستند بار دیگر به جریان‌های اسلام‌گرای ترکیه جان تازه‌ای داده و فضای عمومی این کشور برای حضور گسترده اسلام‌گرایان و به‌خصوص به دست‌گیری دولت توسط اسلام‌گرایان را فراهم نمایند.

در اندیشه‌های سیاسی اربکان، می‌توان نشانه‌هایی از همراهی و همخوانی با انقلاب اسلامی ایران را مشاهده کرد. ایشان به شدت با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا مخالفت نموده، بر لغو ممنوعیت حجاب زنان ترکیه پافشاری کرده و ضمن مخالفت با روابط ترکیه و اسرائیل، دارای دیدگاه گرایش به شرق و همکاری و پیوستن به کشورهای مسلمان منطقه بودند. به دست گرفتن دولت در ترکیه توسط اربکان و حزب اسلام‌گرای رفاه از طریق انتخابات و فرآیند دموکراسی، موجب وحشت و ترس بسیاری از حکام مستبد و دیکتاتور جهان اسلام و از سوی دیگر ترس رهبران دول غربی از حضور و اقتدار یک دولت اسلام‌گرا در اروپا گردید (اسپوزیتو، کامروا و واتربری، ۱۳۹۱: ۲۹۶)

حزب رفاه و شخص اربکان طی دوران فعالیت و مبارزه خود برای استقرار دولت اسلامی در ترکیه بر ایجاد هویت دینی و اسلامی تأکید داشتند. اربکان، حزب رفاه را از احزاب وابسته به نظام کمالیستی خارج می‌دانست و به صراحت راهبرد خود را در تقابل با نظام سکولار کمالیستی اعلام کرده و

می‌گویند: ما جزو احزابی که نماینده نظامند، نیستیم (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۳).

ب) اردوغان و هویت

هویت سیاسی و اجتماعی رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر یک دهه اخیر ترکیه را می‌توان و ام‌دار طیفی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هویت دولتمردان ترکیه دانست، مؤلفه‌هایی که شامل سکولاریسم کمالیستی، هویت غرب‌گرای مرکز‌محور، اقتصاد سرمایه‌داری و ... هستند که در زیر به بررسی مختصر برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱- هویت اقتصاد سرمایه‌داری

اقتصاد سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی در ترکیه، چنان مورد توجه و دارای اهمیت است که مردم و کارگزاران به جای توجه به سیاست و هویت خود، به اقتصاد سرمایه‌داری توجه دارند. این اقتصادمحوری و معاملات سرمایه‌داری با غرب، در ترکیه چنان اهمیت و کارایی دارد که، آنچه جهت‌گیری و مسیر جامعه ترکیه را مشخص می‌سازد، نه سیاست بلکه اقتصاد است (یاووز، ۱۳۸۹: ۶۰). یکی از مهمترین اظهارنظرهای داخلی ترکیه پیرامون نقش اقتصاد و مشوق‌های آن در سیاست‌های ترکیه را می‌توان در کتاب «عمق راهبردی» مشاهده نمود، آنجا که احمد داووداوغلو می‌گوید: مؤثرترین مرهم‌آدار و روابط سیاسی تنش‌دار، شکل‌دهی حوزه منافع اقتصادی مشترک می‌باشد (داووداوغلو، ۱۳۹۱: ۳۹۵). بنابراین باید گفت که اقتصاد سرمایه‌داری و پاداش‌های مستمر و کلان غرب، یکی از مؤلفه‌های تغییر هویت و تغییر منافع ترکیه می‌باشد.

۲- نمایندگی غرب در منطقه

ترکیه از همان دوران بعد از جنگ دوم جهانی و تقابل دو ابرقدرت شرق و غرب، به دنبال حفظ موقعیت و جایگاه خود از طریق پیوستن به اردوگاه غرب بوده است و در این مسیر، اقدامات فراوانی را انجام داده است. بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران و سرنگونی محمدرضا شاه پهلوی و نابودی یکی از دو ستون دکترین دو ستونی نیکسون-کسینجر، ترکیه همواره تلاش نموده است تا به‌عنوان ستون جانشین ایران، با عربستان همراه شده و نقش ژاندارمی آمریکا در منطقه را بر عهده بگیرد. این نقش چنان برای مسئولان ترکیه و به‌خصوص

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

اردوغان اهمیت دارد که حاضرند خود و دولتشان را با عنوان دولت دست نشانده غرب در منطقه معرفی نمایند!

۳- فتح‌اله گولن، پدر اسلام غربی

یکی از پشتوانه‌های هویتی حزب عدالت و توسعه و اردوغان را باید جنبش گولن^۱ به رهبری و زعامت شیخ فتح‌الله گولن^۲ دانست. جریانی که در راستای اهداف آمریکا و غرب و البته تحت هدایت و پشتیبانی آمریکا و سازمان سیا به فعالیت در ترکیه و جهان اسلام مشغول بوده و بسیاری از اعضای این جنبش نیز دارای نقش جاسوس برای آمریکا هستند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۲۵). این جنبش به شدت بر علیه ایران و شیعیان منطقه موضع‌گیری نموده است و از نظر هویتی نیز در مسیر اندیشه‌ها و فلسفه غرب‌گرایی حرکت می‌نماید.

۴- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو

ترکیه از سال ۱۹۵۲ که به سازمان ناتو^۳ پیوسته است، همواره به‌عنوان یک عضو فعال و گوش به فرمان سازمان در حال خدمت به اهداف آمریکا و اروپا بوده است. ترکیه سعی نموده است تا با استفاده از سازمان ناتو، از این سازمان به‌عنوان مهمترین ابزار راهبردی ترکیه در روابط با دنیای غرب استفاده نماید. این کشور مجبور بوده است تا برای قرار گرفتن در جمع یک اتحاد غربی، با تطبیق شرایط و راهبردهای خود با شرایط غربی ناتو به دنبال به دست آوردن منافع خود در اروپا باشد (داوداوغلو، ۱۳۹۱: ۲۳۷ و ۲۲۹).

۵- پشت درهای اتحادیه اروپا

یکی از آرمان‌های اساسی جمهوری ترکیه از زمان تشکیل در سال ۱۹۲۳ تاکنون را باید پیوستن به اروپا و پذیرش این کشور در جمع کشورهای اروپایی دانست. ترکیه در مسیر تغییرات هویتی و کسب شرایط لازم برای پذیرش در جامعه اروپا^۴ و اکنون اتحادیه اروپا^۵، اقدامات و

1- Gulen Movement
2- Fethullah Gulen
3- North Atlantic Treaty Organization (NATO)
4- European Community
5- European Union

برنامه‌های تحمیلی از سوی اتحادیه را مورد توجه و اجرا قرار داده است. اما تاکنون، خبری از پذیرش ترکیه در اتحادیه نیست و البته گویا اعتباری برای پذیرش ترکیه در سال ۲۰۱۳ نیز در بودجه سالانه اتحادیه دیده نشده است!

ب) اسلام‌گرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه

از زمان فروپاشی و سپس الغای حکومت عثمانی در ۱۹۲۳ تا سال ۲۰۰۲، هیچ دولتی نتوانسته بود در مبارزه با ارتش و کمالیست‌های ترکیه به پیروزی مستمر و طولانی مدت دست یابد، اما حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان از سال ۲۰۰۲ تاکنون در ترکیه در رأس حکومت بوده و ضمن تقابل با ارتش و لائیک‌های سنتی این کشور، به اجرای سیاست‌های خاص خود که ناشی از نوع خاصی از فلسفه سیاسی و دینی است، پرداخته‌اند.

اردوغان که مهمترین افتخارات اجتماعی و سیاسی‌اش را مدیون حزب رفاه و نجم‌الدین اربکان می‌باشد، در دوره حاکمیت دولت حزب رفاه در ترکیه، پست بسیار مهم و تأثیرگذار شهردار استانبول را در اختیار داشت. وی بعد از فرآیند کودتای ۲۸ فوریه از مقام خود برکنار و به چهار سال حبس نیز محکوم گردید. اما اردوغان با همکاری و همفکری دوست نزدیک خود عبدالله گل^۱ که وی نیز از شاگردان برجسته اربکان بود، در سال ۲۰۰۱ به تأسیس حزب عدالت و توسعه منشعب شده از حزب اسلام‌گرای فضیلت، اقدام نموده و خیلی زود توانستند با ارایه نظریات جدیدی در باب تعامل با حکومت و کمالیست‌ها، برای کسب قدرت، طرفداران بسیاری را سازماندهی نموده و در انتخابات سال ۲۰۰۲ به راحتی به پیروزی دست یافته و دولت خود را تشکیل دهند. در آغاز کار حزب عدالت و توسعه و سپس به قدرت رسیدن این حزب در ترکیه، مسلمانان منطقه و جهان و به‌ویژه ایرانیان از این پیروزی اردوغان و حزبش به شدت خوشحال شده و این موفقیت حزب عدالت و توسعه را در راستای اهداف جهانی گسترش اسلام و بازگشت اقتدار به جهان اسلام و مسلمان تلقی می‌کردند.

پیگیری‌های اردوغان و حزب عدالت و توسعه در مورد لغو ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها، تلاش برای تصویب قانون مجازات زنا، دفاع از آرمان آزادی فلسطین و برقراری روابط دوستانه با کشورهای اسلامی منطقه را می‌توان از اقدامات اولیه حزب عدالت و توسعه به‌عنوان

1- Abdullah Gul

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

یک حزب ظاهراً اسلامگرا در ترکیه دانست. به مرور زمان و با تثبیت دولت و قدرت حزب عدالت و توسعه در ترکیه در پی انتخابات‌های بعدی، ماهیت واقعی حزب عدالت و توسعه و رهبر آن، در حال نمایان شدن بود. ماهیت اصلی حزب عدالت و توسعه که حتی خود سران حزب به آن اذعان دارند را می‌توان یک حزب بدون هویت و ایدئولوژی (به‌خصوص از نوع اسلامی) دانست (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

هویت اصلی حزب عدالت و توسعه را نمی‌توان یک هویت اسلامی کامل دانست، زیرا این حزب در اهداف و سیاست‌های درازمدت خود در نظر دارد تا ترکیه را جذب اتحادیه اروپا نموده و حتی هویت اروپایی را بر مردم ترکیه تحمیل نموده و به قول معروف ترکیه را در اروپا و هویت مسیحی و سکولار آن ذوب و محو نماید. اسلام‌گرایی اردوغان و حزبش را می‌توان در راستای همان اسلام‌گرایی با قرائت خاص ترکی دانست که ریشه در دو فلسفه اسلام‌گرایی عثمانی و سکولاریسم کمالیستی دارد. این دو وجهی بودن فلسفه اسلام‌گرایی اردوغان و حزبش را می‌توان در استفاده از دین و مذهب برای کسب و تثبیت قدرت در ترکیه و سپس در منطقه آسیای جنوب غربی دانست.

اردوغان به‌عنوان یک مسلمان سنی مذهب، طی چند سال اخیر به شدت بر آموزه و آرمان‌های اهل سنت در محدودیت دیگر مذاهب اسلامی و به‌خصوص تشیع، پافشاری داشته است. اردوغان هرگز به اسلام سیاسی معتقد نبوده است بلکه هدف وی آنست که در چارچوب تظاهر به اسلام، هویت سکولار و غرب‌گرای توسعه‌طلب خود را در ترکیه و جهان اسلام جاری ساخته و تحت عنوان اسلام معتدل و میانه‌رو، اهداف غرب در زمینه محدودسازی اسلام سیاسی و انقلابی را محقق سازد. می‌توان گفت که هویت سیاسی اردوغان و حزبش را باید هویتی مخدوش و نامشخص دانست. این هویت دارای پشت پرده‌ای است که بعدها و با ظهور نتایج اقدامات کنونی آن به مرور زمان بر ما مشخص خواهد شد.

خوش‌رقصی‌ها و ایفای نقش غرب‌گرایی توسط حزب عدالت و توسعه و سران آن مانند اردوغان و گل در رویدادهایی مانند جنگ سوریه، اقدامات تروریستی عراق، سپر موشکی مالاتیا و سپس سپر موشکی پاتریوت در مرز سوریه، تلاش برای به رسمیت شناختن اسرائیل توسط حماس و ادامه اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل است که شائبه غیر مسلمان بودن یا تظاهر به اسلام این دو رهبر حزب عدالت و توسعه را پررنگ‌تر کرده و ضمن تأکید بر یهودی بودن اصالت آنان، این دو نفر و همسران آن‌ها را عامل مخفی یهودیان در ترکیه و جهان اسلام معرفی و برای معرفی

آنان از اسامی «گل موسی» و «مجاهد موسی» استفاده، هر دو را خدمتگذار صهیونیست‌ها معرفی می‌کنند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

اما منافع کنونی مرتبط بر این هویت را می‌توان بهبود شرایط اقتصادی ترکیه، تغییر هویت اسلام سیاسی و جذب کردن مسلمان و ذوب آنان در فرهنگ و هویت اروپایی، غربی و در نهایت تضمین ادامه حضور ترکیه به‌عنوان یک کشور مستقل و مهم در منطقه و اروپا دانست که تغییرات در کشورش را به‌عنوان الزامی برای اروپایی شدن ملت-دولت ترکیه محسوب می‌کرد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۴۱). اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه را می‌توان یک نمایش از اسلام‌گرایی ظاهری بر اساس قوم‌گرایی ترکی دانست که هویت اسلام راستین در آن نهادینه نشده و جایی ندارد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

شاید بهتر باشد از صفت اسلام‌گرایی برای حزب عدالت و توسعه و به‌خصوص سران و به‌ویژه رجب طیب اردوغان استفاده نکرده و حزب عدالت و توسعه را یک حزب غرب‌گرای سکولار بدانیم.

گفتار سوم: بهار عربی- اسلامی و رونمایی از هویت واقعی حزب عدالت و توسعه

با آغاز بیداری اسلامی یا بهار عربی- اسلامی در سال ۲۰۱۰ در شمال آفریقا و سپس در منطقه خلیج فارس و شرق مدیترانه و به‌خصوص در کشورهایمانند لیبی، سوریه، یمن، تونس و مصر بود که به تدریج هویت اصلی و پشت‌پرده اردوغان و حزب عدالت و توسعه و منافع این دولتمردان ترکیه در صحنه سیاست بین‌المللی، برای برخی دولتمردان ایرانی و دیگر همسایگان ترکیه، آشکار گردید.

همراهی و بلکه پشتیبانی ترکیه و شخص اردوغان از اقدامات نظامی و جنگ افروزان اروپا و آمریکا در لیبی و سوریه، به همراه فعالیت شدید این کشور برای ارابه‌الگوی ساختگی و بی‌هویت اسلام سکولار ترکی به انقلابیون منطقه بود که هویت و منافع دولتمردان ترکیه را در جهت تغییر هویت و ماهیت اسلامی منطقه در چارچوب اهداف و منافع آمریکا و اسرائیل نمایان ساخته و از انگاره‌ها و تلاش‌های اردوغان برای ایجاد یک امپراتوری جدید ترکی با تلفیقی از هویت عثمانی و هویت اروپایی (کمالیستی) که می‌توان آن را امپراتوری «یوروعثمانی»^۱ نام نهاد، پرده برداشت. اوج این سیاست و هویت مرتبط با آن را باید در تصاویر ذهنی و انگاره‌های بلندپروازانه سران

1- Euro Ottomani

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

حزب عدالت توسعه، به ویژه در کتاب عمق راهبردی احمد داووداوغلو و سخنرانی وی در آوریل سال ۲۰۱۲ مشاهده کرد، آنجا که داووداوغلو به صراحت از بازپس‌گیری سرزمین‌های امپراتوری عثمانی خبر داده و می‌گوید: هر سرزمینیکه در سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۳ از دست داده‌ایم و از آن‌ها عقب نشینی کرده‌ایم را در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳، به دست می‌آوریم و با برادرانمان در آن سرزمین‌ها دیدار می‌کنیم. این یک مأموریت تاریخی ضروری است (خبرگزاری کردپرس، ۱۶ دی ۱۳۹۱).

این سخنان داووداوغلو را می‌توان شاهی بر تلاش اردوغان برای ادامه حکومت بر ترکیه دانست که می‌تواند از سال ۲۰۱۴ و به مدت دو دوره پنج ساله تا سال ۲۰۲۴، به عنوان رئیس جمهور بر ترکیه حاکم شده و در واقع در صورت وقوع این رویداد، این یک دهه را باید دهه آشوب و تغییرات گسترده در آسیای جنوب غربی برای ایجاد یک ترکیه بزرگ یا همان «یوروعثمانی» دانست.

نتیجه‌گیری

بر اساس همان مؤلفه‌های نظریه سازه‌نگاری کل‌گرایانه الکساندر ونت، می‌توان عوامل تأثیر‌گذاری مانند: اقتصاد سرمایه‌داری غرب، هویت و سیاست کمالیستی، انگاره‌های بزرگ‌پروازی امپراتوری عثمانی، تلاش برای ژاندارمی آمریکا در منطقه، وابستگی اعتقادی و سیاسی به غرب و... را به عنوان عوامل موثر بر هویت و سیاست‌های اردوغان و حزب عدالت و توسعه در ترکیه و به ویژه سیاست خارجی این کشور، ذکر کرده و هویت آشفته و نامشخص اردوغان و دوستانش را نیز برآمده از همان مشوق‌ها و پاداش‌هایی دانست که آمریکا و غرب برای تغییر هویت مسلمانان منطقه و به ویژه ترکیه به آن‌ها داده‌اند. شاید آنچه سمیر امین^۱ در مورد اندیشه لیبرالیستی آمریکا و سپس اروپا می‌گوید و این فلسفه سیاسی و اقتصادی را «ویروس لیبرال» خوانده و بر بنیادین بودن انگاره‌های اقتصادی و مالی در این فلسفه اشاره دارد، را بتوان در مورد ترکیه و داستان مشوق‌های اقتصادی و ... غرب به این کشور نیز صادق دانست (امین، ۱۳۸۶: ۱۰). تغییر انگاره‌های یک دولتمرد مسلمان را نمی‌توان امری فوری و آنی با دوره یک یا دو ساله دانست، بلکه تغییر انگاره‌های ذهنی اردوغان و دوستانش در حزب عدالت و توسعه و همسویی بین‌الذهانی آنان با سیاست‌ها و سیاستمداران آمریکا و غرب را باید فرآیندی تدریجی و طولانی مدت دانست که

1- Samir Amin

2- Liberl Virus

حداقل از همان ابتدای سال ۲۰۰۲، شروع شده است.

تعارضات موجود در هویت نابسامان اردوغان و دوستانش که می‌توان آنان را نیز بین‌الذنهانی دانست، به مرور زمان به تعارضات و تنش‌های واقعی در جامعه ترکیه تبدیل شده و علاوه بر تنش‌های شدید میان دولت و مردمی که مخالف حزب عدالت و توسعه هستند، بر آینده ترکیه نیز تأثیر منفی خواهد داشت و این کشور را دچار آشوب‌ها و تعارضات قومی، نژادی، مذهبی و سیاسی شدید می‌نماید. این پدیده را ساموئل هانتینگتون چنین توضیح می‌دهد که: «ترکیه که در این زمان از مکه رو برمی‌گرداند و از سوی بروکسل طرد می‌شود، نمی‌داند که باید به کدام سمت حرکت کند» (چگنی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

اکنون به خوبی مشخص شده است که هویت غربگرای سرگردان اردوغان که به حمایت‌ها و پشتیبانی مشوق‌ها و پاداش‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی غرب و آمریکا، شکل گرفته و نهادینه شده است را نمی‌توان در ترکیه با ۹۸ درصد جمعیت مسلمان نیز به صورت کامل نهادینه نمود و آشوب‌ها و اعتراضات مردمی اخیر ترکیه نشانه خوبی از سرگردانی هویتی و سیاسی اردوغان و حزب عدالت و توسعه در ترکیه و منطقه می‌باشد.

مسئولان سیاست خارجی ایران و کارشناسان این حوزه باید به برآورد مجددی از وضعیت سیاست‌ها و هویت دولتمردان حزب عدالت و توسعه و به‌ویژه رجب طیب‌اردوغان پرداخته و ضمن تعیین دقیق اهداف، منافع و سیاست‌های بلند مدت اردوغان، هویت غربگرای ایشان را نیز مد نظر قرار دهند. همین هویت دوگانه و دو وجهی کمالیستی و عثمانی می‌باشد که رؤیای ایجاد امپراتوری بزرگ یوروعثمانی را در ذهن اردوغان و دوستانش تا افق راهبردشان که سال ۲۰۲۳ میلادی می‌باشد، ایجاد نموده و البته دشمن و رقیب اصلی این رؤیا را نیز جمهوری اسلامی ایران می‌دانند که باید با همکاری آمریکا، اروپا و برخی اعراب منطقه، محدود و ناتوان گردد.

بنابراین لازم است دولتمردان ایرانی از رؤیابوارگی در سیاست خارجی دست برداشته و با واقعیات هویتی ترکیه و دولتمردان آن رقابت نمایند و نه اینکه با ظاهر و نمای اسلامگرایانه این کشور فریب بخورند، زیرا بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، قرار است ایران در سال ۱۹۲۵ میلادی (۱۴۰۴ شمسی) به‌عنوان قدرت برتر و اول در آسیای جنوب غربی، قدرت‌نمایی کند.

تقابل راهبرد سیاسی و هویتی اردوغان با منافع و راهبرد ایران در منطقه

فهرست منابع

- اسپوزیتو، جان. ال؛ کامروا، مهران و واتربری، جان (۱۳۹۱). *جامعه مدنی و دموکراسی در خاورمیانه*، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: جاوید.
- اعتضادالسلطنه، نوژن (۱۳۹۱). *احزاب اسلامی و چشم‌انداز لائیسیتیه در ترکیه*. تهران: چاپخش.
- امین، سمیر (۱۳۸۶). *ویروس لیبرال*، ترجمه ناصر زرافشان. تهران: آزادمهر.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۸۹). *تراشیدم، پرستیدم، شکستم؛ گفتارهایی در سیاست و هویت ایرانی*. تهران: نگاه معاصر.
- چگنی‌زاده، غلامعلی؛ خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹). «تعامل و تقابل پیرامون گرایی و غرب‌گرایی در سیاست ترکیه»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۵.
- حسن، ابراهیم حسن، (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی اسلام از آغاز تا انقراض*، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بدرقه جاویدان.
- خبرگزاری کردپرس، ۱۶ دی ۱۳۹۱، به آدرس:
<http://kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/?Id=37631>.
- داوداوغلو، احمد، (۱۳۹۱). *عمق راهبردی - موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*، ترجمه محمدحسین نوحی‌نژاد ممقانی. تهران: امیرکبیر.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، (۱۳۸۶). *جمهوری ترکیه*. تهران: وزارت امور خارجه.
- رمضان‌زاده، عبدالله؛ جوکار، محمدصادق (۱۳۸۹). «هویت از منظر سازه‌انگاری متعارف و رادیکال»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۳.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی - در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳۱.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۰). *روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
- وثیق، شیدان (۱۳۸۷). *لائیسیتیه چیست؛ نقدی بر نظریه‌پردازی‌های ایرانی درباره لائیسیتیه و سکولاریسم*. تهران: اختران.
- یاووز، م. هاگان (۱۳۸۹). *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*، ترجمه احمد عزیزی. تهران: نی.

